

در توضیح این اثر، به سادگی می‌توان گفت: کتابی است در باب تولد، شمه‌ای از زندگی و آثار ششصد و نه تن از بزرگمردان و ناموران فرهنگی معاصر، که البته بیان این جمله، دور از انصاف است و نامنصفانه‌تر آنکه بگوییم - آن چنان که بر روی جلد کتاب آمده -

**سوگنامه ناموران فرهنگی و ادبی .**

استاد ایرج افشار - سلمه الله تعالی - دارای دو شخصیت فرهنگی و فردی است. درباره مقام منیع شخصیت فرهنگی و خدمات بی‌دریغ ایشان به اهل کتاب، قبلاً دوستان و ارادتمندان که اربابان فضیلتند در دو جلد **ارج نامه ایرج**<sup>۱</sup> یا مستقیماً قلم زده‌اند یا با نوشتن و مرحمت مقاله‌ای در بابی از ابواب فرهنگ و ادب مقام ایشان را ارج نهاده‌اند.<sup>۲</sup>

اما شخصیت فردی ایشان، از نظر آشنایان دیر و دور و بر سفره معرفت او نشسته، از لونی دیگر است چنانکه بی‌بدیل می‌نماید. کمتر استادی را می‌توان نام برد که با همه عزت و احترام، در ایران گردی‌های خود، چون به شهری دور یا روستایی غریب، وارد شود از محبان خود سراغ گیرد و پیام دهد که «امشب مهمان توام» و آن میزبان مشتاق و سعادتمند، سر از پا نشانخته، به استقبال بشتابد و چون استاد افشار را در همراهی سه چهار استاد عزیز و شریف دیگر ببیند، اشک شوقش فوران می‌کند، دلش می‌لرزد، جانش به رقص درمی‌آید، دست و روی پدران معنوی خویش را می‌بوسد، چه حضور آنان را در ویران سرای خود گنج خداداد می‌داند و چون مائده آسمانی مبارک. از این جهت که استاد افشار اهل تکلف نیست نه در خورد و نه در خفت، بی‌ریاست و صمیمی. پس

بار خاطر صاحب خانه نیست. میزان ارادت مخلصانه مصاحب خود را از همان سلام پرخلوص نخستین می‌فهمد، به مهربانی پدری از آشنایان سراغ می‌گیرد. آخرین مقاله‌ات را خوانده، کتابت را دیده و با نکته‌ای و اشاره‌ای موجز، هم راهنمایی می‌کند، هم تشویق. و همین تو را بس که «به سراپرده جان تو فرود آمده است.»

شرافت حضور استادان جلیل‌القدر دیگر که به پایمردی افشار، قدم بر خانه تو نهاده‌اند. تو را سرمست و بی‌قرار می‌کند و به قول سعدی «کلاه گوشه‌ات به آفتاب می‌رسد» زیرا می‌دانی امشب اتاقت در حکم دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در روزهای سه شنبه است یا حضور دکتر شفیع کدکنی یا چون صبح روز چهارشنبه در «کتاب فروشی تاریخ» در محضر استادان دیگر. پرفیض و لبریز از خاطرات فرهنگی و تازه‌های کتاب و اهل کتاب. شب شریفی است که باید این نکته‌ها و ناگفته‌ها را که در هیچ کتاب و تشریه‌ای نه خوانده‌ای و نه می‌خوانی غنیمت بدانی با تمام وجود بنویسی نه، بلکه بنوشی به سردی و گوارایی یک کاسه شربت بهار نارنج در یک تابستان داغ. و می‌دانی، اگر حتی ظلمی در حق مهمان است، آنان را به لطایف الحیل بیچاره نگاه داری و از گفتارشان بهره برگیری تا پیمانانه پر اشتیاق جانت، سرشار شود. چه «این مادر اقبال همه ساله نزاید».

خوب، بزرگمردی چون استاد ایرج افشار، که همه کس از غریبه و آشنا دیده است و می‌داند که سینه‌اش گنجینه خاطرات بزرگان فرهنگ نیم قرن اخیر است و به قول دکتر رجایی بخارایی می‌داند: «بر شهر یاران



و به صراحت و عربانی **خاطرات حبیب یغمایی** و البته منظم‌تر ولی شیرین چون کتاب **خاطراتی از هنرمندان** که مرحوم پرویز خطیبی از خود بر جا نهاده است .

این سخنان - خدای ناکرده - دلیل بر کم‌اعتباری کتاب **نادره کاران** نیست که اتفاقاً بسیار نکته‌ها و گفته‌های عبرت‌آموز و دلپسند و خواندنی دارد. سخن بر سر آن است که از استاد ایرج افشار، آن دانشی مرد جوانمرد و با فضیلت ، که چون مرحوم تقی‌زاده «زریاب» است و هر مستعد علاقه‌مند و دورافتاده‌ای را در گوشه و کنار کشورمان بیابد در راهنمایی و یاری‌اش از هیچ کمکی دریغ نمی‌ورزد. انتظار افاضه بیشتر هست .

#### برخی محسنات کتاب

۱- **نثر شیوا و روشن و موجز در بسیاری از قسمت‌های آن** . به ویژه آنجایی که از سردرد ، «قلم را گریانده است» . مثلاً آنچه درباره دکتر حسین محبوبی اردکانی (ص ۳۸۳) یا چند صفحه‌ای که درباره مرحوم حسین ملک (ص ۲۹۵) صاحب و پایه‌گذار «کتابخانه ملک» نوشته و با ذکر خاطره‌هایی بر دلپسندی نوشته خویش افزوده است .

به چند سطر زیر توجه کنید ببینید چگونه با جملات کوتاه و روشن ، شتابناکی ، دلیری و صراحت و روحیه پاک جلال آل احمد را به تصویر درآورده: «چشمه جوشنده و زلالی از کوهسار زیبای ادب معاصر ایران بخوشید. بادپایی تند سیر از کاروان فهم و ذوق ، روز هیجدهم شهریور بیابان مرگ شد. او جلال آل احمد بود. از صف نخبگان و فرزندان ایران

ادب چه گذشته است»<sup>۳</sup> و چه بر سر کتاب‌های آنان رسیده . از دوستانان فرهنگ ایران زمین در دوردست‌های جهان گرفته که گاهی در سواد بیاض سفرنامه‌هایش متجلی است تا پرسد به تازه‌های ایرانشناسی‌های او آیا عاقلانه است تنها به سوگنامه‌های آن خداوندان ادب و هنر قناعت کرد؟

«نادره کاران» باید عنوانی باشد بر چندین جلد کتاب فاخر و مشتمل بر برگزیده‌نامه‌ها ، نقل خاطره‌ها ، معرفی نقد و بررسی آثار ، و خلاصه درس‌هایی که نسل امروز باید از آن پیشکسوتان بیاموزد و امروز اگر جایی نوشته نشود کم لطفی است به حق کسانی که حق تعلیم بر ما دارند ، گیرم که از ورق گردانی لیل و نهار نام و بهره فیضشان زیر غبار جهل یا جعل پنهان شده است .

بایسته است که استاد ایرج افشار با گسترش **نادره کاران** یعنی بیان یادداشت‌های بیشتر و ذکر نام افرادی دیگر از معارف نیم قرن اخیر و نهایتاً تکمیل کار خود ، بابی نیز در موضوع «انتحال» در آثار معاصر بگشایند و چراغ واقعیت را بر سر راه جویندگان حقیقت برافروزند .

«یادداشت‌هایی» به گستردگی یادداشت‌های مرحوم دکتر قاسم غنی و به شیوایی و گیرایی آنچه در کتاب به روایت سعید نفیسی گرد آمده

#### ۴- برخی ویژگی های دیگر:

به شهادت بسیاری از اصحاب دقت و فضل، استاد ایرج افشار، امروز بزرگ ترین نسخه شناس و کتاب شناس ایران است به همین دلیل، در سراسر کتاب، عشق به کتاب و کتابخانه مشهود است و آنجا که مستقیماً به این دو مطلب مربوط می شود مرغ سخنش به پرواز درمی آید و قلمش به روانی ژرفاشانی و راز گشایی می کند مثلاً درباره حاج حسین ملک (ص ۲۹۷) درباره دکتر نصرالله فلسفی (ص ۴۹۰) درباره کتابخانه دکتر یزدگردی (ص ۵۸۷) درباره اهدای کتابخانه دکتر علی اکبر سیاسی (ص ۶۸۴) یا مقاله نسبتاً مفصلی که زیر نام بلند محمد تقی دانش پژوه (از ص ۸۴۱ به بعد) آورده در حقیقت نقد حال خودشان است در کتاب دانی و نسخه شناسی ها. این توجه مخصوص به اهل کتاب تنها به بزرگان فرهنگ دوست ایرانی انحصار نیافته بلکه گاهی به مستشرقان غربی هم با همین عنایت نگریسته اند. چنانکه درباره جیمز پیرسن (J.D. Pearson) کتابدار انگلیسی می نویسد: «... چشمه ای از رفتارش دیدم که برایم سرمشقی گران قدر بود و حکایت داشت از ذوق و شوق و عشق فطری و والای او به دنیای کتاب و جمع اطلاعات به منظور گذاردن در اختیار مشتاقان. در اتومبیل من چند عدد جزوه و رساله فارسی چاپ شده پیش پا افتاده و کم بها وجود داشت... که می خواستم آنها را به زباله دانی کنار خیابان بیندازم. پیرسن چون متوجه شد گفت: بده به من. گفتم: فارسی است و مکرر است و به درد نمی خورد. گفت، لازم دارم. تعجب کردم. او که فارسی نمی داند برای چه می خواهد. پرسیدم برای چه؟ گفت هر چه مواد تحقیقاتی و اطلاعاتی فارسی پیدا کنم با خود می برم که کتابخانه مدرسه را غنی کنم با قیافه ای تعلیم دهنده و تنبیه انگیز گفت:

More books, more pamphlets, more information.

هر چه کتاب و جزوه بیشتر شود، اطلاعات بیشتر خواهد بود. او با چنین ذوق و حالی به کتابخانه دانشگاهش خدمت می کرد... (ص ۱۰۸۵)



#### ۵- نکته ای دقیق و ظریف:

در اکثر کتاب های آموزشی - از سطح دبستان تا مقطع دانشگاه - و نیز در بسیاری از کتب تاریخی و ادبی، به هنگام نوشتن تاریخ تولد و مرگ کسی (به صورت عدد)، به استناد حرکت حیات یا بر حسب نگارش اعداد، نخست تاریخ تولد را می نویسند، پس تاریخ مرگ را، که این شیوه، کلاسیک و علمی نیست. چه بر طبق منطق و شیوه نگارش مرحوم دکتر غلامحسین مصاحب - استاد و متخصص در ریاضیات - در کتاب ارزشمند **دایرةالمعارف فارسی** برای به دست آوردن تفاضل دو عدد، نخست باید عدد بزرگ تر را نوشت، سپس عدد کوچک را، یعنی تاریخی

امروز. انسان بود و دوستدار انسان ها. رهروی بود نکته یاب و جامعه نگر ایران دوست و ایران شناس. قلمداری بود مایه سرافرازی از اقلیم ما. این نویسنده توانا، هنرمند جوینده، انسان دلیر و جوشان از میان ما رفت و زود رفت. شمع سراپا نسوخته شد. از جوهر وجودش امید آن می رفت که بیشتر و درازتر بتواند فیض برساند. (ص ۲۳۷)

اهل معرفت که مقاله پراحساس «غروب جلال» اثر همسر بزرگوار آل احمد یعنی خانم دکتر سیمین دانشور را خوانده اند به این نکته اذعان خواهند داشت که عصاره آن مقاله بزرگ بانوی ادب معاصر، چیزی جز این مفهومی که استاد افشار آورده اند نیست.

#### ۲- وجود نکات تازه و عبرت آموز و نیز نقادی های بجا:

برای مثال درباره ذبیح بهروز می خوانیم: «در طنز و هزل دستی قوی داشت (ص ۲۸۷)... عبید زمان بود.» (ص ۲۸۸)

یا درباره یادنامه محمود فرخ خراسانی که به مناسبت هفتاد سالگی این شاعر خراسانی، به اهتمام مجتبی مینوی فراهم آمد می نویسد: «در آن مجموعه، مقاله ای که غلامحسین یوسفی نوشت جامع همه سخنان لازم درباره فرخ است.» (ص ۴۸۶) و یا درباره شعر محمود فرخ آورده: «محمد قزوینی درباره فرخ به حیب یغمایی نوشته است:» در این شماره اخیر یغما یک غزل بسیار با حال فصیح و بلیغ از آقای محمود فرخ دیدم که به عقیده من دست کمی از بهترین غزل های سعدی ندارد. مستدعی از سرکار عالی هستم که خدمت ایشان نهایت اعجاب و تحسین مرا از آن ابلاغ فرمایید. (یغما، سال اول)» (ص ۴۸۷) مطلبی که درباره مرحوم مجتبی مینوی در کتاب **نادره کاران آمده**، مفصل ترین مطلب است (۳۰ صفحه) و مشتمل بر بسیار نکات، بدون شک، مرحوم مینوی یکی از فاضل ترین مردان روزگار بوده و در شناخت فرهنگ ایران و ادبیات مغرب زمین در زمان حیات خویش کم نظیر بود. او با آن سعه فضل و آگاهی، اگر در پاسخ سوالی در می ماند به راحتی می گفت: «نمی دانم». نکته ای که با تاسف، بسیاری از اعزه زمان ما از بیانش اکراه دارند و همین اکراه چه مایه شرمندگی و گمراهی پدید می آورد. اگر آموختن همین نکته، از کل کتاب **نادره کاران** منظور باشد یقیناً سعی آقایان افشار و نیکویه در پیش خواندن - ان شاء الله - مأجور است.

#### ۳- ذکر خاطرات شیرین:

در شرح حال و کمالات بعضی افراد، جناب افشار، خاطراتی شخصی و شیرین آورده اند که بر ملاحظت مطلب افزوده است، مثلاً آنچه در سرگذشت دکتر غلامعلی سیار (ص ۷۷۴) نقل کرده اند یا درباره مرحوم دکتر لطفعلی صورتگر آورده اند که: «... وقتی انتقادی سخت از کتاب دکتر فاستوس ترجمه او در مجله راهنمای کتاب انتشار یافت به من گفت «کاکو» ضرب المثلی برایت می گویم تا بدانی که متاثر نشده ام چه گفت به یاد ندارم می دانم که خودش را در این باره نخورد. قابل بود که اشتباه هایی شده است می گفت جوان ها که انتقاد می کنند، خودشان باید همین قدرها که ما کار کرده ایم کار بکنند تا بدانند که اشتباه چنان بد نیست. کار نکردن و داعیه داری بد است.» (ص ۲۴۲)

که مبین زمان مرگ است سمت چپ نوشته می‌شود و عددی که گویای سال تولد است در قسمت راست .

استاد ایرج افشار ، همه جا ، این روش صحیح را به کار گرفته‌اند و این حداقل نکته‌ای است که مراجعان از این کتاب مرجع خواهند آموخت . مقصود از بیان این مطالب این است که **نادره کاران** تنها «سوکنامه» نیست چه به قول نوپردازان رمانتیک «این وصف خاکستری بر روی جلد کتاب ، آسمان دل را ابری می‌کند.»

اما به دلیل اینکه کتاب **نادره کاران** مرجعی موثق است و خواهد بود و هر کتاب مرجعی ، پیوسته مورد بازنگری و تکمیل قرار می‌گیرد ، لازم است استاد بزرگوار جناب افشار به افزودن نام و نشان بعضی دیگر از مشاهیر فرهنگ معاصر که نامشان از قلم افتاده ، همراه با توضیحاتی درباره آثارشان بکشوند ، گیرم با آن کسان معاشرت نداشتند لیکن باور دارم درباره آرا و آثارشان حرف‌های تازه و نظریات خواندنی دارند .

به هر حال از استاد گرانقدری که نام جلیش بر روی جلد بیش از ۲۵۰ کتاب و رساله و تشریه وزین آمده و فهرست مقالاتش از این شمار هم بالاتر است کاری در مرتبه کمال می‌یابد . حضرت استادی خود می‌دانند که از کتاب **نادره کاران** ، جز اینکه منبع و مأخذ استفاده اهل تحقیق است ، فردا ، خیل کتابسازان کتاب‌های خوش رنگ و دل ربا ، «فرهنگ نامه شاعران و نویسندگان معاصر» خواهند ساخت و «تقویم‌های رنگی اهل قلم» پدیدار می‌کنند . پس از جوانمردی چون او با آن سعه صدر می‌برازد که خدمت بی‌مزد و منتش حتی در حق ناسپاسان به کمال باشد البته این نکته را هم متذکر شوم که در ذکر فهرست نام اشخاص تقریباً از سال ۱۳۷۷ تا پایان ۱۳۸۱ نوعی کم حوصلگی و کم توجهی ، احساس می‌شود .

اسامی برخی از معروف‌ترین کسانی که نامشان در فاصله ۱۳۰۴ تا ۱۳۸۱ شمسی باید می‌آمد و نیامده چنین است:

- میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری ف: ۱۳۰۵ ش
- سید احمد ادیب پیشاوری ف: ۱۳۰۹ ش
- عارف قزوینی ف: ۱۳۱۲ ش
- سید اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال) ف: ۱۳۱۳ ش
- حسن وحید دستگردی ف: ۱۳۲۱ ش
- صادق سردف: ۱۳۳۹ ش
- فروغ فرخزاد ف: ۱۳۴۵ ش
- بهرام صادقی ف: ۱۳۶۳ ش
- سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار) ف: ۱۳۶۷ ش
- علی اکبر سعیدی سیرجانی ف: ۱۳۷۳ ش
- غزاله علیزاده ف: ۱۳۷۵ ش
- محمد قاضی ف: ۱۳۷۶ ش
- سیروس طاهباز ف: ۱۳۷۷ ش
- حمید مصلق ف: ۱۳۷۷ ش
- صادق چوبک ف: ۱۳۷۷ ش
- احمد میرعلایی ف: ۱۳۷۷ ش
- نادر نادرپور ف: ۱۳۷۸ ش
- فریدون مشیری ف: ۱۳۷۹ ش
- احمد شاملو ف: ۱۳۷۹ ش

- هوشنگ گلشیری ف: ۱۳۷۹ ش

- نصرت رحمانی ف: ۱۳۷۹ ش

خوشبختانه اغلاط مطبعی در سراسر کتاب اندک است (در کتاب ۱۱۱۲ صفحه‌ای جز ۴ مورد بیشتر ندیدم)  
نکته آخر اینکه: ای کاش استاد ایرج افشار در مورد بیت:  
«آسمان دلم از اختر و ماه تو گرفت

آسمان دگری خواهیم و ماه دگری»

ابراز نظر فرموده بودند که این بیت نهایتاً اثر طبع جواد تربتی است چنانکه در ص ۲۷۶ **نادره کاران** آمده یا آفریده قریحه شاعرانه استاد حبیب یغمایی آن گونه که در ص ۵۳۸ همین کتاب نقل شده است .

\*\*\*

عنوان «نادره کاران» برگرفته و وامی است از یکی از ابیات غزل بسیار مشهور ملک الشعرا بهار با ردیف «همه رفتند» اما راقم این سطور می‌پسندد و اجازه می‌خواهد که در ختم سخن خود این سه بیت خانم سیمین بهبهانی را بیاورد زیرا از نظر لفظ و معنی پر بی‌ربط نمی‌نماید:

زانگه که زبان از پی گفتار گشودیم

تا دامنه عمر سرودیم و سرودیم

بر گنج درست سخن «نادره کاران»

در خورد توان خرده ناچیز فرودیم

بودیم و کسی پاس نمی‌داشت که هستیم

باشد که نباشیم و بدارند که بودیم

طول عمر و سعادت پایدار بر ایرج افشار ، سربلندی و توفیق بر آقای

محمود نیکویه آرزو می‌کنم و هزار تشکر و تبریک به مسئولان محترم

نشر قطره برای نشر این گونه کتاب‌های ارزشمند می‌گویم .

#### پانویست‌ها:

\* **نادره کاران** ، ایرج افشار ، به کوشش محمد نیکویه ، انتشارات قطره .

۱- **ارج نامه ایرج** ، به خواستاری و اشراف [روانشادان] محمد تقی دانش پژوه - دکتر

عباس زریاب خوبی ، در ۲ جلد به کوشش محسن باقرزاده ، انتشارات توس ، ۱۳۷۷ .

۲- هر چند تنوین کننده یا تنوین کنندگان آن ارجمند نامه ، بسیاری از مقالات دیگران را ،

به پنهان دیر رسیدن در این کتاب نیاورده‌اند و وعده جلد سوم داده‌اند که هنوز پس از گذشت

سال‌ها آن وعده خوبان وفا نکرده است . لازم است که متصدیان این امر عنایت داشته باشند که

تقديم مقاله‌ای به ساحت استادی ، از شمار مقالات مجلات تحقیقی یا ادبی نیست که حق رد

یا اختصار یا حذف و امحای آن را داشته باشند ، بلکه بیان عرض ارادتی است از سوی دوستداری

به پیشگاه بزرگواری و هیچ کس نباید در این مسیر روشن و پاک انسانی دیواری بکشد گیرم که

آن را بنا به دلیلی نپسندند مگر نه اینکه در خیل دوستداران و خریداران یوسف هم پیرزنی کلاف

به دست ایستاده بود؟

۳- «بر شهر یاران ادب چه گذشت» عنوان گفت و گوی پر تأثیری است با روانشاد استاد

دکتر احمد علی رجایی بخارایی [ که با تاسف در متن مقاله و گفت‌وگو ، همه جا «محمدعلی

رجایی» نوشته شده ] آمده در نشریه **آیندگان ادبی** ، پنج‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۵۲ .